

تمرد

بموجب ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی هرگونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی بطور تجری نسبت بمأمور دولت در حین انجام وظیفه بعمل آید مورد محسوب و بنا به تعریف فوق برای تحقق جرم چند شرط لازم است .

- ۱ - حمله بمأمور دولت یا مقاومت نسبت باو
- ۲ - اقتران حمله یا مقاومت با اقدام عملی
- ۳ - بودن حمله یا مقاومت حین انجام وظیفه یا سبب آن .

جرم تمرد ممکن است نظر بکیفیات خاصه امر جنحه یا جنایت باشد .

قانون مجازات عمل را از نقطه نظر مجز است سه قسم منقسم نموده است :

هرگاه متهم حین اقدام دست باسلحه کند بحبس مجرد از دو تا شش سال

۲ - هرگاه متهم مسلح باشد و دست با اسلحه نکند بحبس تأدیبی از چهار ماه تا دو سال .

۳ - هرگاه متهم غیر مسلح باشد بحبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد

هرگاه مأمور دولت علات ظاهر نداشته باشد و قیمت او غیر معلوم باشد متهم طبق ماده فوق الذکر مستحق مجازات نیست .

هرگاه مأمور دولت در خارج از حوزه مأموریت خود مورد حمله یا مقاومت گردد و یا اینکه در حوزه مأموریت برخلاف وظیفه رفتار کند و بالنتیجه مورد حمله واقع شود نمی توان بعنوان اینکه قضیه حین انجام وظیفه نبوده متهم را تبرئه نمود دیوان تمیز فرانسه در تفسیر ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی میگوید اقدام مأمور برخلاف وظیفه مجوز تعدی می باشد کسی که اقدام را برخلاف وظیفه میداند باید بمراجع صلاحیت دار شکایت کند قانون ۵ نهمی از تمرد کرده از تجاوزات و تعدیات مأمورین دولتی نیز جلوگیری را

لازم دانسته است (۱) قانون مجازات ایران در این مورد تعدد متهمین را قابل توجه قرار نداده و اثری بآن مترتب ننموده است ولی بعضی از قوانین خارجه عدد مرتکبین را موجب تشدید مجازات قرار داده اند .

ماده ۲۱۰ قانون مجازات فرانسه میگوید .

هرگاه متهمین بیشتر از بیست نفر و مسلح هم باشند بحبس موقت باکار محکوم خواهند شد

هرگاه بیشتر از بیست نفر ولی غیر مسلح باشند بحبس مجرد محکوم خواهند شد .

هرگاه سه نفر یا بیشتر و از بیست نفر زائد نباشند و مسلح هم باشند بحبس مجرد محکوم خواهند شد .

و هرگاه بدون سلاح باشند بحبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد هرگاه متهم یک یا دو نفر و حامل سلاح هم باشند بحبس تأدیبی از شش تا دو سال محکوم خواهند گردید بحبس تأدیبی از شش روز تا دو سال محکوم خواهند گردید هرگاه چند نفر بمأمور دولت حمله نمایند ولی بعضی از ایشان مسلح و باقی بی سلاح باشند تمام متهمین یا فقط اشخاص حامل سلاح متهم مسلح محسوب میباشند ؟ ماده ۲۱۴ قانون مجازات فرانسه میگوید :

هرگاه چند نفر برای ارتکاب جنحه یا جنایتی جمع شوند و زاید بر دو نفر از آنها حامل سلاح ظاهر باشند جمعیت مسلح نامیده میشود .

اشخاصی که حامل سلاح مخفی بوده و با چند نفر غیر مسلح در جرم تمرد شرکت داشته باشند حاملین سلاح بمجازاتیکه برای متهم مقرر است محکوم میشوند .

(۱) ماده ۱۳۳ قانون مجازات عمومی مقرر میدارد هر یک از مستخدمین دولت یا هر شخصی که خدمت دولت باو محول گردیده در غیر از مواقعیکه قانون مقرر داشته و یا برخلاف ترتیبات مقرر در منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود بحبس تأدیبی از یکماه تا یکسال محکوم خواهد شد .

اشخاصی که داخل دسته متمردين بوده ولی بمحض
 اخطار مقامات صلاحیت دار و قبل از هر عمل و اقدام
 نادم و از جمعیت خارج شوند و همچنین اشخاصی از متمردين
 که قبل از شروع باقدام در خارج از محل اجتماع بدون
 سلاح دستگیر شدند از مجازات معاف میباشند
 قانون مجازات بلژیک نیز تقریباً در همان حدودی
 که در قانون فرانسه مقرر است برای متمردين مجازات
 نموده است.

قانون ۱۸۸۹ ایتالیا حمله و مقاومت را بطریق ذیل
 از یکدیگر تفکیک نموده است :
 مقصود از حمله و اعمال زور متهور نمودن مأمور
 دولت و مطیع ساختن او باراده شخص متمردين می باشد و
 مقصود از مقاومت فقط جلوگیری از عمل مأمور دولت می
 باشد این فرق در قانون فعلی ایتالیا نیز رعایت شده ولی برای
 هر دو امر يك مجازات مقرر گردیده است .
 وحدت

ازدواج در ایران و در فرانسه

خانواده از مهمه بن عناصر تشکیل دهنده ملل امروز
 است - ارزش این منوط باهمیت آن و هرگاه خانواده ضعیف
 شود یا از بین برود بهمان نسبت ملت حیات خود را از
 دست خواهد داد .
 خانواده برای نوع انسانی از لوازم حیاتی است چه
 ضعف طبیعی جدیدالولاده ها و مواظبت هائی که توسط جسمانی
 و روحی اطفال الزام میکند کار بکروز نبوده و بر ابروی
 تکالیفی زیاد تحمیل مینماید که اساس و پایه روابط خانوادگی
 را تشکیل میدهد .
 در ایران و در فرانسه خانواده پایه اساسی جامعه
 و خود متکی بر ازدواج است ولی مقننین این دو مملکت
 نسبت بنکاح عقاید مختلفی دارند :
 بر حسب آنچه که از قانون مدنی ایران استنباط میشود
 ازدواج رابطه است غیر ثابت عقدی است که بیشتر منافع شوهر
 در آن ملحوظ میگردد ولی در حقوق فرانسه نکاح عقد محکم
 و دائمی است که بیشتر بنفع اولاد توجه دارد .
 اینست وضعیت حقوقی ولی در عمل اختلاف فوق الذکر
 چندان قابل ملاحظه نیست چه حقوق ایران و حقوق فرانسه تحت
 تأثیر عوامل متضاد رو بتکامل رفته و رو برو اختلاف

فیما بین کمتر میشود : در ایران مقنن سعی میکند که نکاح
 وضعیت نسبتاً ثابتی بخود گرفته و حافظ منافع اولاد باشد
 در صورتیکه علاقه محاکم فرانسه باستحکام روابط بین
 زوجین رو بشقصان میرود بنابراین میتوان گفت که حقوق
 ایران و حقوق فرانسه در حالیکه برای تکامل تدریجی خود
 دو مسیر مختلف طی میکنند در نظر دارند ، اما وضعیت تازه
 برقرار کنند که بیشتر بااحتیاجات فعلی این دو ملت متناسب
 باشد . این اختلاف در سیر تکاملی با وجود وحدت مقصد
 نتیجه اختلافی است که در ابتداء امر بین قانون ازدواج
 در ایران و در فرانسه وجود داشته است :
 در فرانسه قانونی که پایه اولیه نظامات مربوطه
 بازواج را تشکیل داده ناشی از حقوق مسیحی است که
 معتقد به جنبه مقدس ازدواج میباشد در این مذهب « نکاح
 یکی است و دائمی است » - یعنی از یکطرف نکاح واقع
 مینماید بین يك مرد و يك زن بنا بر این تعدد زن با شوهر
 باطل است و از طرف دیگر نکاح رابطه است دائمی و غیر
 قابل فسخ - ولی در ایران قوانین مربوطه بازواج ماخوذ
 از حقوق اسلامی میباشد و شارع مقدس اسلام معتقد است
 که « ازدواج نه یکی است و نه همیشگی »